

## حرف، حرف باباست یا مامان!؟



«من همیشه میگم بچه باید ... اما پدرش موافق نیست و با من همکاری نمی‌کنه»، «من معتقدم بچه باید ... اما مادرش فقط لوسش می‌کنه»، «من تمام تلاشم را می‌کنم که پسرم یاد بگیره ...، اما پدرش همه تلاش‌های من رو به باد می‌ده» و «من هزار بار برای دخترم توضیح دادم که ...

«من همیشه میگم بچه باید ... اما پدرش موافق نیست و با من همکاری نمی‌کنه»، «من معتقدم بچه باید ... اما مادرش فقط لوسش می‌کنه»، «من تمام تلاشم را می‌کنم که پسرم یاد بگیره ...، اما پدرش همه تلاش‌های من رو به باد می‌ده» و «من هزار بار برای دخترم توضیح دادم که ... اما وقتی مادرش رعایت نمی‌کنه، اونم به حرف من گوش نمی‌ده». از این دست جملات زیادند که از زبان بعضی پدر و مادرها شنیده می‌شود.

به گزارش سلامت نیوز به نقل از روزنامه خراسان، در ادامه رضا آذربان، کارشناس ارشد روان‌شناسی در این باره توضیحاتی ارائه می‌دهد.

### از بین رفتن قدرت والدین

از عواقب ناهماهنگی والدین، این است که قدرت آن‌ها در کنترل فرزند کم می‌شود. وقتی مادر می‌گوید این کار بد است اما به نظر پدر بد نیست، پس شاید واقعا بد نباشد و فرزند می‌تواند آن را انجام دهد. به علاوه، وقتی مادر مخالف است و پدر مخالف نیست، اگر مادر بخواهد فرزند را تنبیه کند، پدر از او دفاع خواهد کرد. همه این موارد مجوزهایی است برای این که فرزندان زیر بار قوانینی که والدین وضع می‌کنند نروند. آن‌ها یاد می‌گیرند این خانه قانون مشخصی ندارد و اصلا دلیلی ندارد که مطابق قوانینی رفتار کرد که یک نفر در خانه وضع کرده است.

### چه باید کرد؟

حالا که عواقب ناهماهنگی بین شیوه‌های تربیتی پدر و مادر را دانستید، بهتر است راهکارهای بهتر هماهنگ شدن را هم بیاموزید.

### مشکلات زوجی را با این موضوع قاطی نکنید

معمولا اولین قدم این است که والدین بخواهند به این هماهنگی برسند. گاهی، لجبازی‌ها و خشم‌هایی که برسر موضوعات دیگر دارند، روی تربیت فرزند تاثیر می‌گذارد. وقتی من زورم به خانواده همسرم نرسد، می‌توانم فرزندم را علیه آن‌ها بار بیاورم. بنابراین، اول باید خشمی را که از موضوعات دیگر مانده و رقابت جویی خودمان را از تربیت فرزند جدا کنیم.

### انتظارات تان از فرزند را فهرست کنید

بعد باید دید که اصلا هرکدام از والدین واقعا چه می‌خواهند و چه انتظاری دارند؟ یک برگه سفید بردارید و کل انتظارات خود را بنویسید. حالا همه فهرست خود را بخوانید و بسنجید که چقدر عینی نوشته‌اید. عینی یعنی این که دقیق، جزئی، عملیاتی و روشن باشد. کلی گویی کمکی نمی‌کند. «می‌خواهم فرزندم منظم باشد» می‌تواند تعاریف متفاوتی داشته باشد. «می‌خواهم فرزندم مودب و وقت‌شناس باشد» یعنی دقیقا چه کار کند؟

### فهرست انتظارات تان را جزئی بررسی کنید

به طور مثال بنویسید که فرزندتان باید کتاب‌هایش را در اتاق خودش روی قفسه کتاب‌ها بگذارد. اسباب بازی‌هایش را بعد از بازی در سید کنار تختش بریزد. وقتی وارد خانه مادرم می‌شویم، به پدر و مادرم سلام کند. وقتی می‌خواهیم به مهمانی برویم، زمانی که قرار است همه آماده باشند، او هم آماده باشد. قرار نیست همیشه مادر بگذرد یا پدر کوتاه بیاید، از استدلال‌هایی استفاده نکنید که اوضاع را بدتر می‌کند مثل این که چون مادر بیشتر وقت‌ها خانه است، حق بیشتری در تربیت فرزند دارد یا پدر چون مسئول فرزند است، باید تعیین‌کننده باشد. سعی کنید یکدیگر را درک کنید. از همسران هم بخواهید دقیقا همین کار را انجام بدهد یعنی همسران هم فهرست خودش را دقیق و روشن بنویسد.

به یک فهرست مشترک برسید

حالا فهرست ها را کنار هم بگذارید و مقایسه کنید. موارد مشترک را علامت بزنید؛ قوانینی که هر دو بر سر آن ها توافق دارید. بعد به سراغ مواردی بروید که در آن ها با هم اختلاف نظر دارید. کدام را باید انتخاب کرد؟ نکته مهمی که باید به خاطر داشته باشید این است که هر دو به یک اندازه در تربیت فرزندتان حق دارید. دختر یا پسر شما، همان قدر فرزند شماست که فرزند همسرتان. با این دید که ببینید، شاید به نظر طرف مقابل تان، هر قدر هم که مخالف اعتقاد شما باشد، بیشتر احترام بگذارید و آن را به عنوان خواسته همسری که به اندازه شما حق دارد بیشتر بپذیرید. در این موارد، سعی کنید به یک راه حل میانه برسید. مادر قدری از معیارهای سختگیرانه اش کوتاه بیاید و پدر هم قبول کند که قدری محدودیت قائل شود.

وقتی راه حل میانه ای وجود ندارد

در برخی موارد، اختلاف به صورتی است که راه حل میانه ای برای آن وجود ندارد. در این صورت چه باید کرد؟ پاسخ این است که یکی از طرفین باید بگذرد. به خاطر منافعی که هماهنگی والدین برای فرزند و تربیت او و نیز ارتباطش با والدین دارد، در هر مورد بدون راه حل میانه، یکی از والدین باید نظر دیگری را بپذیرد. سعی کنید در این حالت تعادلی وجود داشته باشد و هر دو واقعا راضی باشند وگرنه بی فایده خواهد بود. دلایل خود را به نحوی بیان کنید که طرف مقابل بتواند خودش را جای شما بگذارد و دلیل شما را درک کند. در برخی موارد هم فقط باید ساده بگذرید.